

## ظرفیت الگوسازی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه

\* غلامرضا خواجه‌سروی  
\*\* مجید نجات‌پور  
\*\*\* نجات محمدی‌فر

### چکیده

سؤال اصلی مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران با توجه به زمینه‌های تاریخی و اهداف مشترک با خیزش‌های اخیر در منطقه، تا چه حد می‌تواند خود را به عنوان الگوی ظرفیت‌ساز در کشورهای عربی مطرح کند؟ در پاسخ می‌توان گفت که زمینه‌های تاریخی و اهداف مشترک انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه که مبتنی بر گفتمان‌های دین‌محور، عدالت‌محور و سلطه‌ستیزانه می‌باشد، محورهایی است که انقلاب اسلامی ایران می‌تواند به واسطه آن موجب الگودهی به انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه شود.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌های عربی، اسلام، نظام بین‌الملل، گفتمان عدالت‌محور.

khajehsarvy@yahoo.com  
majidnejatpoor616@gmail.com  
nmohammadifar@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۵

\*. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی.  
\*\*. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی.  
\*\*\*. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی.  
تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۰

## مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از بزرگ‌ترین حوادث و رخداد‌های بزرگ نیمه دوم قرن بیستم است که کشورها و ملت‌های فراوانی را تحت‌تأثیر قرار داده و می‌دهد. این تأثیرات که در قالب الگوسازی انقلاب اسلامی ظهور یافته، فرصت‌های جدیدی پیش روی جنبش‌ها و جریان‌های مبارزه برای آزادی‌خواهی و استقلال قرار داده است. نشانه‌های این اثرگذاری، از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی آشکار شد و با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، عمق و پویایی بیشتری یافت. این تأثیرات، به ویژه در تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا، پررنگ‌تر دیده می‌شود.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، انقلاب اسلامی ایران از طریق ایجاد دگرگونی در مفاهیم سیاسی و مباحث نظری و تولید ظرفیت‌های جدید در نظام بین‌الملل با الهام از آموزه‌های دینی، نظام سیاسی جدیدی را وارد معادلات نظام بین‌المللی کرد که عناصر تشکیل‌دهنده آن، الهام‌گرفته از عدالت‌خواهی، دموکراسی مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی ملت‌ها (مردم‌سالاری دینی) و احترام به کرامت انسانی است. این مؤلفه‌ها در واقع مطالبات ملت‌هایی است که سال‌ها به دنبال رهایی از ظلم و سلطه قدرت‌های جهانی و احقاق حقوق پایمال شده خود بوده‌اند. به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران در خواسته‌ها و آرمان‌های دینی، سیاسی و فرهنگی بسیاری از ملل جهان ریشه دارد.

گفتمان عدالت‌محور انقلاب اسلامی ایران توانست گفتمان‌های مادی‌گرای نظام بین‌الملل، از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم و غیره را به چالش بکشد و به عنوان یک آلترناتیو جدی مطرح شود. انقلاب اسلامی ایران هم‌زمان با تأثیر در نظام بین‌الملل از طریق اقداماتی چون عضویت و حضور فعال در گروه غیرمتعهدها، با ارزش‌ها و الگوهای دینی خویش و تأثیر بر جریان‌های اسلام‌گرا تحولات زیادی در منطقه خاورمیانه نیز ایجاد کرد.

بر این اساس، تحولات اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا در قالب انقلاب‌های مردمی، ظرفیت‌های جدیدی برای تأثیر انقلاب اسلامی ایران در جهت‌گیری این انقلاب‌ها پدید آورده است. مهم‌ترین شباهت این انقلاب‌ها با انقلاب اسلامی ایران، مردمی و دین‌محور بودن

آن‌هاست که می‌تواند در کنار ظرفیت‌های انقلاب اسلامی (گفتمان‌های عدالت‌محور و سلطه‌ستیزانه)، الگویی واقعی و منطقی برای این انقلاب‌ها در راستای شکل‌گیری حکومت‌های مردمی - اسلامی به شمار آید.

با این وصف، اهداف پژوهش حاضر، از این قرار است:

۱. تبیین انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی آن به خیزش‌های مردمی؛
۲. تبیین بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل و کشورهای منطقه؛
۳. تبیین تشابهات انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های اخیر خاورمیانه؛
۴. تبیین ظرفیت‌های انقلاب اسلامی ایران در راستای الگودهی به انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه.

### انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی به خیزش‌های مردمی

خیزش‌های اسلامی در قرون متمادی تاریخ اسلام، بیشتر پاسخی به شرایط زمانی و مکانی بوده است. استبداد داخلی و سلطه خارجی، محرک‌های اصلی مسلمانان مبارز برای رسیدن به آزادی و استقلال و کسب هویت اسلامی از طریق بازگشت به اسلام بوده‌اند.

با اوج‌گیری تحولات سیاسی و خیزش‌های مردمی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا که معادلات معاصر منطقه‌ای و جهانی را وارد مرحله‌ای تازه کرده است، ضرورت بازخوانی ماهیت این خیزش‌ها و واکاوی مسیر حرکت و سرانجام آنها، بیش از پیش نمایان می‌شود. بسیاری از این رویدادها را صرفاً در همان بازه زمانی و مکانی می‌توان بررسی کرد، اما انقلاب اسلامی با پارادایم و پارامترهای خاص خود، تحول عمیق فرازمانی و فرامکانی به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی ایران رخدادی متمایز در ساخت حکومت مستقل بر پایه اسلام‌مداری و مردم‌سالاری است. گفتمان بیداری و رهایی‌بخشی انقلاب اسلامی، در سطح دولت‌ها متوقف نمانده و مخاطبان اصلی خود را در میان ملت‌ها جستجو می‌کند و در این راه به ضریب نفوذ عمیقی نیز دست یافته است.

نقش‌آفرینی انقلاب اسلامی، بارزترین مشخصه مشترک در میان مجموعه خیزش‌های به‌هم‌پیوسته و دنباله‌وار جاری در خاورمیانه و شمال آفریقا است. به عبارت دیگر، در کنار

اشتراکات موجود - با وجود برخی تفاوت‌ها - در این تحولات پی‌درپی، ردپای انقلاب اسلامی را می‌توان در همه این خیزش‌ها پی گرفت. به واقع، آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، استقلال و آزادی است و توانسته به تلفیقی از جمهوریت و اسلامی دست یابد، الگوی بسیاری از جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی است. از این دیدگاه می‌توان گفت که انقلاب اسلامی نقطه عطفی در بیداری و رهایی جهان اسلام و بلکه دیگر ملت‌ها به شمار می‌رود. (مرشدی، ۱۳۸۹: ۸)

### تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌الملل

انقلاب‌ها همان‌گونه که اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و گاه جامعه را از اساس دچار تغییر می‌کنند، بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی و حتی ساختار روابط بین‌الملل، نظام جهانی و روابط قدرت در سطح بین‌الملل و تحولات جهانی نیز تأثیر دارند. انقلاب اسلامی ایران که چندین دهه از وقوع آن می‌گذرد، در نظریه‌های سیاسی، راهبرد قدرت‌های بزرگ، نظام جهانی، حرکت‌های رهایی‌بخش، چهره جوامع اسلامی، سازمان‌های بین‌المللی، الهیات رهایی‌بخش در آمریکای لاتین و غیره، تأثیرات آشکار بر جای گذاشته است. (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۰)

بدین ترتیب، هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در جهان معاصر نادیده گرفت، نقش بارز انقلاب‌ها و تحولات انقلابی نیز در این زمینه انکارشدنی نیست. نهضت فرماسیون در قرن شانزدهم، وقوع دست‌کم شش قیام و انقلاب در قرن هفدهم (سال ۱۶۴۸) در اروپا، «انقلاب آتلانتیک» در قرن هجدهم (سال‌های ۱۸۰۰ - ۱۷۶۰)، انقلاب‌های اروپا (۱۸۴۸) و انقلاب‌های متعدد در قرن بیستم از قبیل: انقلاب روسیه (۱۹۱۷)، انقلاب‌های چین (۱۹۱۱ و ۱۹۴۹)، انقلاب کوبا (۱۹۵۹)، انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹)، انقلاب نیکاراگوئه (۱۹۷۹)، انقلاب‌های ضداستعماری مانند انقلاب الجزایر (۱۹۶۲) و انقلاب‌های ویتنام (۱۹۵۴ و ۱۹۷۵) همگی بر این نقش تأکید دارند. (آرنت، ۱۳۶۱: ۱۹)

در این میان به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، «ایران نخستین انقلاب سیاسی اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد... و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج

گرفتن مفهوم هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهانی که تحت سلطه ابرقدرت‌هاست، محظوظ شدند... ایران آماده بود تا اصول خود را در کشور خویش و جهان خارج از آن تبلیغ کند». (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۹)

در این پژوهش، تأثیرات انقلاب اسلامی بر مسائل راهبردی قدرت‌های بزرگ و سپس کشورهای اسلامی منطقه، به اختصار معرفی می‌شود.

#### ۱. بازتاب انقلاب اسلامی در مسائل راهبردی قدرت‌های بزرگ

انقلاب اسلامی ایران، در زمان جنگ سرد بین دو بلوک شرق کمونیست به رهبری اتحاد شوروی و غرب لیبرال به رهبری آمریکا اتفاق افتاد. در آن زمان، بسیاری از مسائل جهانی و راهبردهای دولت‌ها با توجه به این جنگ تدوین می‌شد. وقوع انقلاب ایران ابتدا راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را تغییر داد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آنها شد. از نظر بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری اتفاق افتاده بود که ژاندارم آمریکا در منطقه بود. بنابراین، بلافاصله شکاف آشکار قدرت در منطقه پدید آمد. همچنین ایران به سرعت از پیمان سنتو خارج و باعث فروپاشی آن گردید و بدین وسیله بین پیمان‌های ناتو و سیتو فاصله افتاد. (ملکوئیان، ۱۳۸۴: ۷۸)

انقلاب که در کنار چاه‌های نفتی منطقه اتفاق افتاده و اهمیتش دو چندان شده بود، سریع در کشورهای منطقه - مرکز مسلمانان، به ویژه شیعیان در جهان - انعکاس یافت و هراس از تکرار تحولات مشابه ایران، جهان غرب و دولت‌های منطقه را فراگرفت. در این اوضاع، غرب، به ویژه آمریکا، برای جلوگیری از گسترش حرکت‌های انقلابی به کشورهای دیگر و حفظ منابع بین‌المللی خود، از راهبردها و روش‌های مختلفی بهره گرفت. (همان: ۷۹)

دولت آمریکا در پایان سال ۱۹۷۹ و در اواخر دوره ریاست‌جمهوری جیمی کارتر اعلام کرد برای حفظ منافع خود، یک نیروی واکنش سریع تشکیل می‌دهد. این امر به معنای روی‌آوری دوباره آمریکا به مداخله مستقیم نظامی بود. سپس حجمی بی‌پایان از فشارها و تحریم‌ها علیه ایران را آغاز کرد؛ از جمله: محاصره اقتصادی، حمله نظامی نافرجام به طیس، طراحی کودتای نوژه، تحریک عراق به آغاز جنگ با ایران و همراهی با این کشور در طول

جنگ علیه ایران، و در نهایت، سیاست مہار ایران؛ این سیاست یا استراتژی، در پنج ماه اول ریاست‌جمهوری بیل کلینتون از حزب دموکرات و با طراحی لابی اسرائیل - کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل - تدوین شد. (بکویت و ناکس، ۱۳۷۸: ۱۴۱ - ۱۰۳) همچنین آمریکا برای پر کردن شکاف موجود، شورای همکاری خلیج فارس را در سال ۱۹۸۱ تشکیل داد. دلیل دیگر این اقدام، مداخله نظامی روس‌ها در افغانستان و ترس کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از قرار گرفتن در محاصره کمونیست‌ها یا کشورهای وابسته به اتحاد شوروی، به دلیل حضور روس‌ها در یمن جنوبی، اتیوپی، افغانستان و غیره بود. از این رو، آمریکا به تقویت بنیه نظامی این کشورها به ویژه عربستان پرداخت.

در یکی دو دهه اخیر، به دلیل اعمال آشکار برخی سیاست‌های خشن و توجیه‌ناپذیر آمریکا در منطقه، مانند حمایت صریح و قاطعانه از اسرائیل، یک‌جانبه‌گرایی، توسعه‌طلبی، اشغال عراق و افغانستان، مخالفت با سوریه و لبنان، حمایت از برخی گروه‌های تروریستی همچون القاعده و ... اعتبار و وجاهت این کشور افول یافته و قدرتش تا حد زیادی تحلیل رفته است. این معادله، گویا درباره ایران سیری معکوس طی کرده است. (Hinen, 2008: 69) مهم‌ترین عامل افول قدرت آمریکا، قیام‌ها و خیزش‌های مردمی منطقه در مبارزه با استبداد حاکمان مستبد مورد حمایت ایالات متحده آمریکاست. در کل می‌توان نتیجه گرفت که اسلام سیاسی جایگاه ویژه‌ای در گسترش این قیام‌ها داشته و نه تنها حاکمان مستبد خاورمیانه، بلکه ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب را هم به چالش کشیده است. نماد این چالش‌ها، در خواست‌های مردمی در این قیام‌ها نمایان است. در حال حاضر، موضع مبهم ایالات متحده در برابر بحرین، اردن، یمن، عربستان و سایر متحدانش در منطقه، موجب تضعیف قدرت آمریکا در خاورمیانه شده است.

با فروپاشی بلوک شرق و اتحاد شوروی، آمریکا با این تصور که سقوط رقیب به معنای صلابت و حقانیت بلوک غرب است، برای ورود جهان به نظام جهانی تک‌قطبی یا سلسله‌مراتبی به رهبری خود، به تکاپو افتاد؛ اما با گذشت زمان، دو مسئله چشم‌انداز اهداف راهبردی جهانی آمریکا را تیره کرد: مقاومت دیگر مراکز قدرت جهانی مانند اتحادیه اروپایی، فدراسیون روسیه، چین و غیره و تلاش آنها برای پیدایش یک نظام چندقطبی؛ و تداوم و شدت یافتن حرکت‌های رهایی‌بخش در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و خلیج فارس و تهدیدهای

فزاینده علیه اسرائیل از جانب فلسطینی‌ها، به‌ویژه از زمان آغاز حملات انتحاری آنها. درباره بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر مسائل راهبردی اتحاد شوروی نیز می‌توان گفت که پیروزی انقلاب، امنیت داخلی و منافع جهانی این کشور را تحت تأثیر قرار داد. فکر انقلابی با وجود کنترل شدید سازمان‌های امنیتی، از دیوارهای آهنین گذشت و به جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد شوروی رسید. به علاوه، انقلاب اسلامی با تغییر ایدئولوژی و ماهیت حرکت‌های انقلابی در جهان اسلام که بسیاری از آنها در گذشته کمونیستی بودند یا به شوروی گرایش داشتند، نفوذ بین‌المللی این کشور را تضعیف کرد و بدین‌گونه در شمار علل فروپاشی اتحاد شوروی قرار گرفت.

لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی، هنگام اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، به گسترش امواج انقلابی در مرزهای جنوبی این کشور اشاره کرده بود. مقاومت سرسختانه مردم افغانستان در مقابل این هجوم که جهاد با کفار خوانده می‌شد، در کنار دلایل دیگر، با حمایت ایران و الهام از انقلاب اسلامی صورت گرفت و شکست روس‌ها در افغانستان در فروپاشی اتحاد شوروی تأثیر داشت.

فدراسیون روسیه اکنون برای پیشبرد اهداف جهانی خود از دو طریق تلاش می‌کند؛ از یک طرف می‌کوشد جایگاهی در نهادهای اروپایی به دست آورد و خود را اروپایی نشان دهد؛ مانند پیمان این کشور با ناتو (۱ + ۱۹) در سال ۲۰۰۲ که بر اساس آن، روسیه به عنوان عضو غیرکامل و فاقد حق رأی به رسمیت شناخته شد. این امتیازگیری از آمریکا، به دلیل موافقت روسیه با گسترش نیروهای آمریکایی در آسیای مرکزی در حمله به طالبان و القاعده در افغانستان بود. از سوی دیگر، روسیه با همکاری دولت‌های دیگر از جمله چین، کشورهای اروپایی، ایران و غیره، گردآوری جمعی از یاران خود در اتحاد شوروی سابق و تلاش در سازمان‌های بین‌المللی، می‌کوشد با ادامه سیاست یک جانبه‌گرایی آمریکا مقابله کند.

## ۲. بازتاب انقلاب اسلامی بر منطقه

گسترش انقلاب اسلامی ایران و استقبال جنبش‌های اسلامی از آن، بسیاری از دولت‌های منطقه را وحشت‌زده کرد. از طرفی، هرگونه تلاش برای ایجاد روابط حسنه میان ایران و

دولت‌های منطقه، باعث مخالفت و ناخشنودی این جنبش‌ها می‌شد. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۳۰) در این دوره، رسانه‌های غربی به ترس دولت‌های عربی از ایران دامن می‌زدند. این جریان بعد از قرارداد کمپ دیوید، به نفع عربستان تمام شد و آن کشور را به آرزویش که همان رهبری شیخ‌نشین‌ها بود، رساند. عربستان، تشکیل «شورای همکاری» را فرصت طلایی برای تحقق آرمان‌های دیرینه‌اش و گسترش نفوذ و سلطه‌اش بر منطقه یافت. با تشکیل این شورا، عربستان بر اوضاع سیاسی و بافت اجتماعی کشورهای منطقه اشراف کامل پیدا کرد. مقابله با حرکت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش از طریق فشارهای امنیتی و هماهنگی در مبادله اطلاعات و قراردادهای امنیتی، در این دوره به فور دیده می‌شود. (نجاتی آرانی، ۱۳۸۶: ۱۷)

در برخی از کشورها، سازمان‌های مخفی شکل گرفت که معتقد بودند به مبارزه مسلحانه بر پایه اسلام نیاز دارند. در فلسطین این عقیده بیش از پیش در فکر رهبران مبارز نفوذ کرد. برای مثال، شیخ عبدالله شامی از رهبران مبارز فلسطینی در این باره می‌گوید: «پس از انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی، به قرآن و تفنگ نیاز دارند.» (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۴۷)

از سوی دیگر، جنبش‌های جدیدی مانند جنبش جهاد اسلامی در فلسطین، نهضت اجرای فقه جعفری و حزب‌الله در لبنان به وجود آمدند که بعدها تأثیرات فراوانی در تحولات منطقه‌ای داشتند. برخی از این جنبش‌ها (مانند امل در لبنان) تقریباً غیرفعال شده‌اند. (کدیور، ۱۳۸۲: ۹۹) البته به دلیل شیعی بودن جنبش‌ها که بیشتر تحت تأثیر انقلاب ایران قرار گرفتند، کیفیت روابط سیاسی ایران با دولت‌های منطقه نیز در میزان فعالیت و موضع‌گیری این گروه‌ها تأثیر بسزایی داشت؛ مانند کشورهای امارات عربی متحده، قطر و عمان که بی‌طرفی‌شان در جنگ ایران و عراق، مانع حمله شدید و آشکار این گروه‌ها به این دولت‌ها شد.

تأثیرات غیرمستقیم انقلاب اسلامی در مواردی باعث تحرک بیش از پیش این جنبش‌ها گردید (مثل اخوان المسلمین سوریه) و از طرفی توسل آنها به شیوه قهرآمیز، در مواردی جنبش‌های میانه‌رو را فعال کرد تا در برابر رادیکالیزه شدن آنها ایستادگی کنند. در این زمینه می‌توان به فعال شدن جماعة المسلمین یا التکفیر و الهجرة مصر و جنبش میانه‌روی اخوان المسلمین اشاره کرد. نمونه دیگر، حمایت کشورهای منطقه از «جمعیة الاصلاح



اجتماعیه» کویت بود که مخالف ایران بودند و جهت‌گیری سعودی داشتند. آنها در نشریه خود (المجتمع)، به منظور تضعیف جنبش‌های اسلامی در کویت، بارها به جمهوری اسلامی ایران حمله‌ور شدند. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۲۷)

در مجموع در سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۸۰ با توجه به مشخصات خارجی و مکانیسم آن، روابط ایران با دولت‌های اسلامی، ضعیف‌تر و با ملتها محکم‌تر شد. این مکانیسم از طریق حمایت از جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش اجرا می‌گردید. به هر حال ایران در این دوره، سیاست دوری و برکناری از محیط را با مکانیسم ارتباط با این جنبش‌ها برگزید. یکی از منابع درباره بازتاب انقلاب اسلامی در حرکت‌های انقلابی در کشورهای عربی چنین نوشته است:

۱. در لبنان که بیش از هر کشور دیگری تحت تأثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته، جنبش‌های شیعی «امل»، «امل اسلامی» و «حزب‌الله» و گروه سنی «جنبش توحید اسلامی» تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی پدید آمدند یا فعال گردیدند.

۲. در عراق، فعالیت «حزب الدعوه اسلامی» که از حمایت آیت‌الله سید محمدباقر صدر برخوردار بود، با وقوع انقلاب اسلامی شدت گرفت. به علاوه در سال ۱۳۶۱ «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» با هدف مبارزه با حکومت صدام حسین پدید آمد که نقش انقلاب اسلامی در این امر آشکار بود.

۳. در عربستان سعودی، وقوع انقلاب اسلامی به اخوان‌المسلمین انگیزه داد تا به رژیم سعودی حمله کنند. آنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران، به رهبری جهیمان العتیبی، مسجدالحرام را اشغال کردند. «سازمان انقلاب اسلامی شبه‌جزیره عربستان» نیز که گروهی شیعی بود و رهبری شورش‌های عاشورای ۱۹۷۹ در استان قطیف عربستان را بر عهده داشت، تحت تأثیر انقلاب اسلامی رشد کرد.

۴. همچنین در بحرین، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» کودتایی نافرجام در سال ۱۹۸۱ انجام داد و در کویت، گروه «حزب‌الله کویت» شکل گرفت.

۵. در قطر و امارات عربی متحده، حرکت‌ها سازمان‌یافته نبود و در قالب اعتراضات

اجتماعی بروز کرد.

۶. در مصر، توسل به شیوه‌های قهرآمیز مبارزه گسترش یافت که نمونه آن، ترور انور سادات در اکتبر سال ۱۹۸۱ توسط «سازمان الجهاد» بود. «جنبش اخوان المسلمین» مصر نیز در دوره سادات، به دفاع از انقلاب اسلامی ایران پرداخت. همچنین تأثیر انقلاب ایران بر ناآرامی دانشگاه‌های این کشور و شهرهای قاهره، السیوط و الفيوم، تأیید شده است.

۷. در الجزایر، «جبهه نجات اسلامی» پدید آمد و از موضوع آزادی‌های سیاسی که شاذلی بن جدید (به دلیل شرایط موجود) مشوق آن بود، بهره گرفت.

۸. در تونس، حرکتی اسلامی تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران پدید آمد؛ مهم‌ترین تجسم آن، جنبش گرایش اسلامی بود که بعدها به جنبش نهضت، تغییر نام داد.

۹. در مراکش نیز حرکت‌های اسلامی رشد کرد.

۱۰. در سوریه، «اخوان المسلمین» تحت تأثیر انقلاب اسلامی، فعالیت خود را گسترش داد؛ هرچند بعدها به دلیل گسترش روابط ایران و سوریه، به انتقاد از ایران پرداخت. در میان فلسطینی‌ها، در حال حاضر دو گروه اصلی «جهاد اسلامی» و «سازمان مقاومت اسلامی» یا حماس حضور دارند که هر دو در دهه ۱۹۸۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اعلام موجودیت کردند. در این میان، جهاد اسلامی آشکارا از انقلاب اسلامی ایران دفاع می‌کند و خواستار الگو گرفتن فلسطینی‌ها از حرکت مردم ایران است. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۵۵ - ۱۱۷)

یکی از رهبران سازمان جهاد اسلامی فلسطین درباره الهام‌گیری فلسطینی‌ها از انقلاب ایران، در مصاحبه‌ای گفت: «پیروزی اسلام در ایران، ما را مقاوم‌تر می‌سازد. ما در بیانیه‌ها و نشریات خود بر محور تهران - قدس تأکید کرده‌ایم؛ محوری که به زودی آمریکا و اسرائیل را از منطقه بیرون خواهد کرد. وی در ادامه گفت: ترور افسر امنیتی اسرائیل به نام روزنتال، به عنوان هدیه‌ای به روح شهیدای مکه انجام شد تا بر هم‌بستگی مبارزات مردم فلسطین و ایران تأکید کنیم.» (فراتی، ۱۳۷۹: ۹۴)

انقلاب اسلامی ایران به جز کشورهای عربی، در دیگر مناطق و کشورها، از جمله آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و ترکیه نیز بازتاب داشته است:

در افغانستان، اثربخشی انقلاب اسلامی، به دلیل اشتراک فرهنگی و زبانی، حتی پیش از پیروزی این انقلاب آغاز شد و در مقاومت مردم در برابر کودتای کمونیستی طرفدار شوروی، نمود یافت. پس از پیروزی انقلاب ایران و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی نیز گروه‌های شیعه (هشت‌گانه) و سنی (هفت‌گانه) که بیشتر آنها نام اسلام را حمل می‌کردند، یعنی مجاهدان افغانی، از انقلاب اسلامی الهام می‌گرفتند و بدون شک تأکید این گروه‌ها بر اسلام، تحت تأثیر انقلاب ایران بود.

در پاکستان، پیروزی انقلاب ایران باعث ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی نسل جوان شیعی و پیدایش «نهضت اجرای فقه جعفری» شد که دارای افقی مشابه با انقلاب اسلامی است. اکثر جمعیت اهل تسنن پاکستان نیز انقلاب اسلامی ایران را به دیده احترام می‌نگرند. از این رو، خود را در چنبره فرقه‌هایی مانند «سپاه صحابه» گرفتار نکرده‌اند. در عین حال، فرقه‌گرایی در پاکستان عامل جلوگیری از اثربخشی بیشتر انقلاب اسلامی در این کشور بوده است. در کشمیر نیز که آن را به دلایل فرهنگی - تاریخی، ایران صغیر خوانده‌اند شعارهای انقلاب اسلامی ایران در ناآرامی‌ها به چشم می‌خورد؛ به ویژه اهالی کشمیر آزاد به شدت طرفدار انقلاب اسلامی‌اند.

در آسیای مرکزی، از جمله کشورهای تاجیکستان و ازبکستان، حرکتهایی تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی پدید آمد؛ هرچند چریک‌های وهابی نیز تحت تأثیر حرکت طالبان، حضور داشته‌اند. (فراتی، ۱۳۷۹: ۹۴)

در قفقاز، چه قفقاز تحت حاکمیت روسیه (جمهوری‌های مسلمان‌نشین این کشور، مانند چچن، داغستان، بالکاریا و اوستیای شمالی که سابقه مبارزه طولانی با روس‌ها داشته‌اند) و چه قفقاز جنوبی (جمهوری آذربایجان) نیز انقلاب اسلامی ایران بازتاب داشته و در حزب اسلامی جمهوری آذربایجان تجلی یافته است. (گامر و دیگران، ۱۳۷۷) در نهایت، ترکیه لائیک با پیروزی‌های پیاپی احزاب اسلام‌گرا - هرچند میانه‌رو - در انتخابات پارلمانی، در صورتی که این تحولات بتواند نظامیان را کنترل و محدود کند، احتمالاً دچار یک دگردیسی سیاسی خواهد شد. (ارس و کاه، ۱۳۸۱)

### حیات‌بخشی انقلاب اسلامی به جنبش‌های اخیر جهان عرب

نظام اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان تبدیل شد. این الگو پیش از همه در اندیشه و آرمان همسایگان ایران تبیین گردید. ابتدا افغانستان، ترکیه و عراق و سپس فلسطین، لبنان و سوریه، مقصد پس‌لرزه‌های انقلاب اسلامی بودند؛ چنان‌که یکی از رهبران مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در این باره گفت:

ما در آن موقع می‌گفتیم، اسلام در ایران پیروز شده است و به زودی به دنبال آن در عراق نیز پیروز خواهد شد. بنابراین، باید از آن درس بگیریم و آن را سرمشق خود قرار دهیم. (مرشدی، ۱۳۸۹: ۱۰)

به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، حدود یک و نیم میلیارد مسلمان را برانگیخت و آنان را برای تشکیل حکومت الله در کره زمین به تکاپو واداشت.

این رویکرد، در اساس‌نامه، گفتار و عمل سیاسی جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر، به شکل‌های مختلفی مشاهده می‌شود. به واقع، انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی - سیاسی نقش داشته است؛ چنین تأثیری با مرور پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر، به روشنی دیده می‌شود.

کشورهای عربی برای جلوگیری از ظهور قیام‌های مردمی متأثر از انقلاب اسلامی، کوشیدند وضع اقتصادی را بهبود ببخشند، حتی تظاهر به اسلام کردند و همچنین به مخالفت با انقلاب اسلامی برخاستند، اما انقلاب اسلامی ایران باعث تجدید حیات اسلام در ایران و جهان شد که یکی از ابعاد آن، تولد جنبش‌های سیاسی - اسلامی معاصر در سه دهه اخیر و تداوم‌بخشی به حیات آنهاست.

حیات‌بخشی انقلاب اسلامی، تنها به گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی محدود نماند و تا درونی‌ترین طبقات مردمی جوامع مسلمان و غیرمسلمان رسوخ کرد. البته نمود این مسئله در کشورهای مسلمان بارزتر بود. انقلاب اسلامی با طرح ایده‌هایی چون حکومت اسلامی، ولایت فقیه، مردم‌سالاری دینی، مجمع تقریب، عدالت اجتماعی، استقلال و آزادی، رویه

جهان اسلام برای احقاق حقوق خود را از تدافعی به تهاجمی تغییر داد. همچنین انقلاب اسلامی ایران با بازتعریف مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و اسلامی، موجی از دین‌خواهی و اسلام‌گرایی را در منطقه به وجود آورد که دستاوردهای معنوی و تحول ادراکی آن، رویدادی شگرف در جهان بود. البته اهمیت انقلاب اسلامی ایران با وجود گذشت بیش از سه دهه از آن، هنوز ناشناخته است. این انقلاب که سیر تحولات سیاسی و اجتماعی را دستخوش دگرگونی عمیقی کرد، امروزه نقشی بی‌بدیل در رویدادهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد. (همان: ۱۲)

### تشابه‌های جنبش‌های اخیر خاورمیانه با انقلاب اسلامی ایران

مراجعه به حافظه تاریخی در سیر انقلاب اسلامی ایران، نشان می‌دهد که تمامی خصوصیات و مؤلفه‌های یادشده برای انقلاب‌های عربی و برخی شعارها، گستردگی حضور مردم، عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با دیکتاتوری، استکبارستیزی و اسلام‌خواهی قیام‌کنندگان، مشابه انقلاب اسلامی ایران است. حتی برخی مواضع حاکمان دیکتاتور عرب در قبال مطالبات مردم، با رفتار شاه مخلوع در ایران مطابقت کامل دارد. شاه نیز پس از گسترش اعتراضات در ایران، اعلام کرد پیام مردم را برای تغییرات و اصلاحات شنیده و قول می‌دهد...؛ این همان رفتاری است که در تونس، مصر، بحرین، یمن و اردن مشاهده شد. همچنین نمونه تلاش‌های ناکام شاهپور بختیار و ازهاری برای حفظ نظام، هم‌اکنون از طریق آمریکا و غرب در کشورهای عربی صورت می‌گیرد. البته عنصر رهبری در انقلاب اسلامی ایران، نقش و جایگاه ویژه‌ای در هدایت و سرعت پیروزی آن داشت که انقلاب‌های عربی فاقد آن هستند؛ ولی مدل و پیام‌های انقلاب اسلامی ایران، در سه دهه گذشته همواره سرمشق جریان‌های مبارز مردمی بوده است. جان‌اتان اسپایر در سخنرانی خود در نشست سالانه هرتسلیا، «ایران را هسته اصلی تحولات خاورمیانه» معرفی کرده است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۶)

بنابراین، در پاسخ به این سؤال که چرا انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های سیاسی - اسلامی اخیر در خاورمیانه تأثیر گذاشت، می‌توان به مشترکات فراوان انقلاب اسلامی ایران و آن جنبش‌ها اشاره کرد. این وجوه یا زمینه‌های مشترک، که از آنها با عنوان عوامل هم‌گرایی یا

عناصر هم‌سوئی و هم‌رنگی نیز می‌توان یاد کرد، عبارتند از:

۱. ایده واحد: از آنجا که انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب شیعی است، همانند هر جنبش اسلامی دیگر، بر پایه وحدانیت خدا (لا اله الا الله) و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (اشهد ان محمداً رسول الله) بنا شده است؛ کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی خود، و قرآن را کلام خداوند سبحان و منجی بشریت گمراه می‌داند؛ همچنین به دنیای پس از مرگ، صلح، برادری و برابری، ایمان دارد. (جندی، ۱۳۷۱: ۲۶۰ - ۲۵۷) چنان‌که حضرت امام خمینی ره فرمود: «در کلمه توحید که مشترک بین همه است، در مصالح اسلامی که مشترک بین همه است، با هم توحید کلمه کنید». (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲ / ۳۳) البته ویژگی کارزمایی امام ره و مواضع ضداستعماری وی که بیشتر مسلمانان جهان بر آن اتفاق نظر دارند، بر تأثیر متقابل انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی افزود. (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳۸)

۲. دشمن مشترک: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی، دارای دشمن مشترکند. این دشمن مشترک، یعنی آمریکا و اسرائیل، کیان اسلام را تهدید می‌کند. انقلاب اسلامی ایران با طرح شعار «نه شرقی، نه غربی»، علم مبارزه با دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفته است. (جندی، ۱۳۷۱: ۲۵۹) امام خمینی ره در این باره فرمودند:

دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال اینهاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند؛ این دشمن مشترک را دفع کنید. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۲۸۹)

دشمن مشترک مسلمانان در عرصه داخلی نیز، عقب‌ماندگی است که کشورهای جهان اسلام را در سطح کشورهای جهان سوم نگاه داشته است.

۳. آرمان یکسان: انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن بساط ظلم و فساد، اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان، و به اهتزاز درآوردن پرچم «لا اله الا الله» در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت بی‌پایان الهی و توده‌های مردمند. امام خمینی ره در این باره فرموده‌اند:

همه در میدان باشند؛ با هم باشند؛ ما می‌خواهیم اسلام را حفظ بکنیم. با

کناره‌گیری نمی‌شود حفظ کرد. خیال نکنید که با کناره‌گیری، تکلیف از شما سلب می‌شود. (همان: ۶)

البته برخی از جنبش‌های سیاسی اسلامی، تنها خواستار عمل به احکام اسلام در کشورهای خود و برخی نیز در پی تشکیل حکومتی مستقل، بدون تأکید بر شکل اسلامی آن هستند. (کدیور، ۱۳۸۲: ۹۹) بنابراین، می‌توان گفت جنبش‌های اسلامی معاصر، حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی‌اند؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران، اسلام و مسلمانان را از عزلت و حقارت نجات داد، ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان را تأیید کرد و اسلام را به عنوان تنها راه‌حل برای زندگی سیاسی مسلمانان مطرح ساخت.

شیخ عبدالعزیز عوده، روحانی معروف فلسطین گفته است: «انقلاب خمینی علیه السلام، مهم‌ترین و جدی‌ترین تلاش در بیدارسازی اسلامی ... ملت‌های مسلمان بود». بنابراین، موجودیت و حیات سیاسی جنبش‌های سیاسی - اسلامی، به انقلاب اسلامی وابسته است. این امر، زمینه‌های لازم برای اثرپذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی را فراهم آورده است. (همان: ۱۰۰)

۴. وحدت‌گرایی: تأکید انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن بر لزوم وحدت قشرها و همه مذهب‌های اسلامی برای رسیدن به پیروزی در عرصه داخلی و خارجی، زمینه دیگر گرایش جنبش‌های سیاسی - اسلامی معاصر به این انقلاب است؛ چرا که انقلاب اسلامی ایران با الگوپذیری از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله هیچ تفاوتی بین مسلمانان سیاه و سفید، اروپایی و غیراروپایی قائل نیست و به جنبه‌های اختلاف‌برانگیز در بین مسلمانان نمی‌پردازد، بلکه با ایجاد دارالتقريب فِرَق اسلامی، برپایی روز قدس، صدور فتوای امام خمینی علیه السلام علیه سلمان رشدی و برگزاری هفته وحدت و ... در جهت اتحاد مسلمانان گام برداشته است. به همین دلیل، طیف گسترده‌ای از گروه‌های غیرشیعی و حتی جنبش‌های آزادی‌بخش غیراسلامی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی خود قرار داده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۶ / ۷۶۸) بنابراین، جای شگفتی نیست که مسلمانان سنی مذهب فلسطینی، با نام و یاد حضرت امام خمینی علیه السلام عملیات شهادت‌طلبانه انجام می‌دهند. مجیب‌الرحمان شامی، روزنامه‌نگار پاکستانی، در این باره می‌گوید:

تأثیر بزرگ دیگر امام این است که گرچه ایشان یک رهبر شیعه بودند... با این وجود، مبلغ جدایی نبودند، فریاد او برای اسلام بود. (شامی، ۱۳۷۹: ۱۴)

**۵. مردمی بودن:** یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران این بود که در حالی که احزاب سیاسی به اصطلاح منتقد، خواستار برخی تغییرات جزئی در داخل دولت و در نهایت، تعویض نخست‌وزیر بودند، مردم به سرنگونی شخص شاه توجه کردند و نهضت خود را تا براندازی حکومت ۵۷ ساله پهلوی ادامه دادند. در نهضت‌های اسلامی منطقه نیز مردم و توده‌های مسلمان هستند که در صف اول معارضان ایستاده‌اند و حضور احزاب، به ویژه احزاب غیراسلامی کم‌رنگ است. مردم‌گرایی در انقلاب اسلامی ایران، عامل گسترش انقلاب و پذیرش آن از سوی ملت‌های مسلمان بوده است. رهبر انقلاب ایران، بر این باور بود که باید برای ملت‌ها ارزش قائل شد نه برای دولت‌ها. در مجموع، با وجود همه دشواری‌هایی که در برقراری روابط ایران انقلابی و جهان اسلام و تأثیرپذیری متقابل آنها وجود دارد، وجوه مشترک آن دو، بسیار بیشتر است.

**۶. خودباوری:** مهم‌ترین دستاورد تحولات منطقه برای ملل مسلمان این کشورها، «خودباوری» است. ملت ایران، نتیجه اعتراضات و قیام‌های چندصد ساله خود علیه حکام جور را هنگامی دید که خود را باور، و «ما می‌توانیم» را تفسیر کرد. با وجود قیام‌های متعدد ملت ایران در دوره‌های مختلف، هنگامی که با رهبری امام، اجماع ملت به این باور رسید که می‌تواند سرنوشت خود را به دست گیرد، بزرگ‌ترین انقلاب مردمی قرن را تحقق بخشید. اکنون نیز ملت‌های منطقه پس از کش و قوس‌های فراوان و بی‌ثمر یافتن امیدهای واهی خود به ناسیونالیست‌ها و غرب‌گرایان، به این نتیجه رسیده‌اند که اگر خواهان تحول هستند، باید خود قیام کنند و نباید منتظر دیگران باشند؛ تنها در این صورت به نتیجه خواهند رسید؛ چنان که در مصر، تونس و لیبی، نتیجه این خودباوری با سرنگونی سه دیکتاتور مشهور، کام مردم را شیرین کرد و دیگر ملت‌ها را به نتیجه دادن قیامشان امیدوار ساخت.

**۷. اسلام‌خواهی:** در ابتدای نهضت مردم ایران، گروه‌هایی انگشت‌شمار با مشی سوسیالیستی یا لیبرال نیز بودند، ولی با گسترش نهضت، این اقلیت به حاشیه رفت و آنچه نمود پیدا کرد، شعارهای الله اکبر و اسلام‌خواهی میلیون‌ها مسلمان ایرانی بود که کاخ ۲۵۰۰ ساله ستم‌شاهی را ویران کرد. در جریان نهضت‌های منطقه نیز رسانه‌ها کوشیدند اعتراضات



مردم را معیشتی و اقتصادی و برای به دست آوردن آزادی غربی جلوه دهند، اما شعارهای کوبنده ملتها همه این تبلیغات را بی‌اثر کرد. مهم‌ترین تجمعات در این کشورها بعد از نماز جمعه شکل می‌گیرد و نمازهای صدها هزار نفری به نماد ثابت این اعتراضات تبدیل شده است که کسی نمی‌تواند آن را انکار کند.

۸. صهیونیسم‌ستیزی: یکی از نخستین شعارها در نهضت اسلامی ایران که پس از ۳۳ سال هنوز استمرار دارد، صهیونیسم‌ستیزی است. در نهضت‌های منطقه نیز اولویت قیام‌ها در کشورهایی است که حاکمان آنان بیشترین ارتباط را با اسرائیل دارند و دارای پیمان‌های مشترک نظامی، اقتصادی و سیاسی با این کشور هستند. در میان شعارهای مردم منطقه، شعارهای ضداسرائیلی و براءت از حاکمان وابسته به این رژیم، بسیار پررنگ است.

### ظرفیت الگوسازی ایران در انقلاب‌های اخیر خاورمیانه

جنبش‌های اخیر اسلامی (که در کمتر از چند هفته، تظاهرات مردمی در تونس و مصر به نتیجه رسید و در ادامه، کشورهای یمن، لیبی، بحرین، اردن، کویت، الجزایر و دیگر کشورهای عربی را همچون باتلاقی در خود گرفتار ساخت) نتیجه خیزش و خروش مردمی است که بیش از سه دهه، گرفتار فقر، فساد، تبعیض و حکمرانی حاکمان ستمگر بوده‌اند و در کمتر از چندین هفته، چهره این کشورها و منطقه به کلی تغییر یافته است. همه این حوادث، ریشه در هویتی سرکوب‌شده و مصیبت‌دیده دارد که تمام لایه‌های جامعه را درگیر خود ساخته است؛ چنان که برخی معتقدند عامل اصلی حرکت عظیم مردم مصر، تونس، لیبی و ... احساس تحقیری بوده است که مردم از وضعیت سرانشان داشته‌اند.

با این حال و با وجود تفاوت در رهبری و سازماندهی و زمینه بروز و ظهور این جنبش‌ها، روند آنها از الگویی پیروی می‌کند و الهام می‌گیرد که به باور بسیاری، از جمله خود انقلابیان کشورهای عربی، این الگوی الهام‌بخش و هسته این تحولات، انقلاب اسلامی ایران است. بنابراین، گفتمان بیداری و رهایی‌بخشی انقلاب اسلامی، در سطح دولت‌ها متوقف نمانده و مخاطبان اصلی خود را در میان لایه‌های ملتها جستجو می‌کند و در این راه به ضریب نفوذ عمیقی دست یافته است.

بر این اساس، می‌توان گفت زمینه‌های تاریخی و اهداف مشترک انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه، که مبتنی بر گفتمان‌های دین‌محور، عدالت‌محور و سلطه‌ستیزانه است، ظرفیت‌هایی است که موجب اثرگذاری و الگودهی انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های اخیر در خاورمیانه خواهد شد. در ادامه به این ظرفیت اشاره می‌شود:

۱. **گفتمان دین‌محور: اسلام**، در تحولات گسترده و عمیق سال‌های اخیر، عامل بسیار مؤثری بوده است. تأکید انقلابیان کشورهای نظیر تونس، مصر و لیبی - که حاکمان آنان در طول چند دهه اخیر به پیروی از سکولاریسم غربی، راه دین‌زدایی را در پیش گرفته بودند - بر احیای مظاهر اسلامی چون حجاب، نشان می‌دهد که سیاست‌های دین‌ستیزانه حاکمان این کشورها در سطح رسانه‌ها باقی مانده است. شعارهای غالب تظاهرات مردمی در کشورهای عربی، گویای آن است که اسلام‌گرایی و دین‌محوری، عمده عامل خیزش آنها بوده است. احیای گرایش‌های اسلامی در کشورهای اسلامی، به نوعی با ظرفیت‌های نهفته در الگوی انقلاب اسلامی ایران همراه شده است. غرب با نادیده گرفتن این مسئله، می‌کوشد با تبلیغات متراکم خود، چنین تلقین کند که خیزش مردمی در کشورهای عربی، با فلیکر، یوتیوب، فیس‌بوک و توییتر و دیگر رسانه‌های اجتماعی مجازی آغاز شده و پایان خواهد یافت. این دیدگاه نشان‌دهنده غفلت آنان از گفتمان بیداری‌بخشی انقلاب اسلامی است.

۲. **گفتمان عدالت‌محور: گفتمان عدالت** به معنای نظام معنایی و دلالت، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده است. این گفتمان، بعضی رفتارها و منافع را برای سیاست خارجی ایران ممکن و مشروع و برخی دیگر را ناممکن و نامشروع ساخته است. گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دارای عناصر و دقایق گفتمانی خاصی است که حول دال متعالی و مرکزی «عدالت» فصل‌بندی شده‌اند و معنا می‌یابند. این عناصر و دقایق گفتمانی عبارتند از: عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت، حمایت از مسلمانان و مستضعفان، ظلم‌ستیزی، سلطه‌ستیزی، استکبارزدایی، و تجدیدنظرطلبی و شالوده‌شکنی نظم و نظام بین‌الملل. این گفتمان با توجه به ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، می‌تواند محور سیاست جنبش‌های اخیر در خاورمیانه گردد. باید در این زمینه،

دست‌آورد و تصویری که ایران از پس ۳۲ سال تحولات گسترده سیاسی - اجتماعی به کشورهای منطقه ارائه می‌دهد، غنیمت بشماریم. به طور طبیعی، جوانان انقلابی در مصر و حتی لیبی و تونس و یمن و بحرین، با مواضع صریح ایران در قبال رژیم صهیونیستی، آمریکا و غرب، احساس همراهی می‌کنند و در معادله ظالمانه‌ای که بر مناسبات بین‌المللی و به ویژه منطقه خاورمیانه حاکم است، خود را با ایران در یک جبهه می‌بینند. (کولایی، ۱۳۹۰: ۷۱)

۳. **آموزه‌های انقلاب اسلامی:** به واقع، آموزه‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر عدالت اجتماعی، مردم‌سالاری دینی، استقلال و آزادی است و به توفیقی از جمهوریت و اسلامی دست یافته، می‌تواند الگوی بسیاری از جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی باشد. از این دیدگاه، می‌توان گفت که انقلاب اسلامی نقطه عطفی در بیداری و رهایی جهان اسلام و بلکه دیگر ملت‌ها به شمار می‌رود. تداوم فضای انقلابی در منطقه و پیش‌کسوت بودن ایران در این زمینه، این فرصت را به مسئولان ایران می‌دهد که با عرضه تجربیات ۳۲ ساله نظام حاصل از انقلاب، به کشورهای منطقه، نخبگان و به ویژه جوانان انقلابی، آنها را از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی انقلابشان (همان) - که ممکن است آنان را به مسیری دیگر منحرف سازد - آگاه کنند.

۴. **گفتمان مقاومت:** انقلاب اسلامی ایران با رمزگشایی از سه‌گانه «هویت»، «بیداری» و «دین‌مداری»، گفتمان قدرت منطق را در عمق باورها تبیین و تثبیت می‌کند. چنین گفتمانی در طول سه دهه اخیر، الهام‌بخش بسیاری از خیزش‌های مردمی بوده است. جنبش‌های رهایی‌بخش اسلامی در لبنان، فلسطین، مصر، تونس، الجزایر، سودان، پاکستان، عربستان و ترکیه با چنین گفتمانی احیا شدند. این اندیشه که برخاسته از آموزه‌های اسلام سیاسی است، در تقابل با گفتمانی قرار دارد که آمریکا ترویج و تبیین می‌کند. آمریکا در طول سه دهه اخیر و به ویژه یک دهه اخیر، تلاش داشته با اجرای طرح‌های متعدد مهار انقلاب اسلامی، از عمق ضریب نفوذ آن در بین ملت‌ها بکاهد. سایه‌های پنهان چنین طرحی، آگاهی غرب را از اراده خواستن، اندیشه توانستن و تفکر خیزش در بین ملت‌های منطقه نشان می‌دهد. از این رو، آنچه در پس پرده تمامی سناریوهای صلح و سازش و صدور دموکراسی نهفته بود، نابودی یا دست‌کم کنترل و مدیریت اندیشه مقاومت و استقلال بود.

۵. تجربه انقلابی: غرب همواره آثار گفتمان انقلاب اسلامی را در خیزش‌ها و قیام‌های مردمی رصد می‌کرد و تحقق انقلابی دیگر با مختصات انقلاب اسلامی ایران، حادثه‌ای هولناک برای آنان بود. در منطق قدرت غرب، قرار بود خاورمیانه جدیدی متولد شود که اهداف راهبردی آمریکا در خاورمیانه و نظم هژمونیک و برتری جهانی ایالات متحده را محقق سازد، اما آنچه رخ داد یک اشتباه در محاسبه استراتژیک بود. خلع سلاح اندیشه مقاومت و استقلال برای تغییر ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه در سایه چنین طرح‌هایی نه تنها محقق نشد، بلکه الهام‌بخشی و بیداری‌سازی انقلاب اسلامی، بار دیگر همه چیز را فرو ریخت.

۶. تقویت اندیشه خاورمیانه اسلامی: روند هم‌مانگ تحولات خاورمیانه، از شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی با اندیشه و ایده اسلامی و ملهم از انقلاب اسلامی ایران حکایت دارد. به واقع برآیند مدل خاورمیانه اسلامی، افزایش نرخ نفوذ ایران و کاهش نفوذ آمریکا است.

۷. برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی: انقلاب اسلامی ایران نه تنها مسلمانان ایران، بلکه تمام مسلمانان جهان را به وحدت اسلامی و برادری و تفاهم فرامی‌خواند. جمهوری اسلامی در این راستا، عالمان و متفکران سراسر جهان را به بحث و تبادل نظر برای آگاهی و شناخت بیشتر مذاهب از یکدیگر و جلوگیری از فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه و ضد وحدت، دعوت می‌کند. همچنین با برپایی کنفرانس‌های متعدد در جهان، توانسته است عالمان اسلامی را گرد هم آورد و با بحث‌های مفید و سازنده، بسیاری از حقایق مکتوم و نیز مشترکات و امور مورد تفاهم مذاهب اسلامی را آشکار سازد و زمینه‌های تشکیل امت واحده را پدید آورد. رهبر انقلاب اسلامی درباره برگزاری کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های بزرگ عالمان و متفکران اسلامی می‌فرمایند:

مهم‌ترین مسئولیت این کنفرانس‌ها و امثال آن، شناسایی مبانی وحدت و رفع آن موانع می‌باشد. به اعتقاد ما کوچک‌ترین این موانع، ذهنیت عامه مردم است که باید اصلاح شود و این امر جز به دست علما، روشنفکران، نویسندگان و کسانی که قدرت هدایت افکار عمومی را دارند، میسر نیست. (بزرگی، ۱۳۸۵: ۴۳)

۸. قدرت نرم فرهنگی ایران: اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست‌هایی خاص در دیپلماسی فعال ایران در چند سال اخیر، به تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین‌المللی و منطقه‌ای،

زدودن برخی ابهامات، (شرف‌الدین، ۱۳۸۴: ۵۶ - ۵۴) و در نتیجه، افزایش منابع قدرت نرم ایران در منطقه منجر شده است. در این دیپلماسی عمومی، «مردم» و «افکار عمومی جامعه انقلابی» در کشورهای عربی، مخاطب اصلی ایران هستند و جمهوری اسلامی ایران مواضع خود را هم‌سو با جوانان انقلابی قرار می‌دهد. (روح، ۱۳۹۰: ۷۰)

به طور کلی، تحولات جدید سیاسی - امنیتی در خاورمیانه (قیام‌ها و خیزش‌های مردمی)، ساختار قدرت و سیاست در خاورمیانه را به نفع ایران تغییر داده که برای منافع استراتژیک آمریکا در منطقه، متحدان منطقه‌ای در جهان عرب و موقعیت رژیم صهیونیستی، آثار منفی داشته است.

### نتیجه

تحولات اخیر خاورمیانه، در حقیقت، نوعی بیداری اسلامی و نهضت بازگشت به خویشتن را ابتدا در ملت تونس و سپس در دیگر کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا رقم زد؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در گفتمان استکبارستیز و استقلال طلبانه و دین‌مدار انقلاب اسلامی ایران ریشه دارد. پیروزی انقلاب اسلامی در اواخر قرن بیستم که به قرن انقلاب‌های غیردینی و بلکه ضددینی مشهور شده و به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران آن دوران، دین از صحنه سیاست کنار رفته بود، خط بطلانی بر این گونه نظریات کشید و توانست در طول سی و سه سال به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل شود؛ چنان‌که در تحولات اخیر، عامل تداوم حرکت‌های مردمی به شمار می‌رفت.

از آنجا که عناصر اصلی صحنه تحولات کشورهای عربی، مردم مسلمان منطقه هستند که رویکردهای سیاسی ضددیکتاتوری و ضداستکباری دارند، حداقل و حداکثر این تحولات چنین تصویر خواهد شد: چنانچه این تحولات به هر دلیلی به نقطه اوج نرسد و امکان تغییرات حداکثری را ایجاد نکند، تغییر در چینش عناصر قدرت و تغییر در سطح کارکردی این نظام‌های وابسته به آمریکا و غرب و اسرائیل، و آزاد شدن پتانسیل‌های مردمی برای اثرگذاری بر رویکرد حکومت‌های وابسته، حداقل‌های اولیه خواهند بود که هویت اسلامی این جوامع نیز بخشی از آن به شمار می‌رود. اگر این تغییرات در شرایط حداکثری قرار گیرند، نظم

منطقه‌ای متکی به آمریکا و غرب را فرو می‌پاشند و مناسبات دنباله‌رو آنها را دگرگون می‌سازند. همچنین با اجرای رویکردهای جدید، تمامی تعهدها و وابستگی‌های امنیتی و سیاسی کنار می‌رود و اتحادها و ائتلاف‌های نوین منطقه‌ای شکل خواهد گرفت. ادامه این روند، افول و سقوط دیگر حکام وابسته و کاهش حضور آمریکا در منطقه است. در تمامی حالت‌های مذکور که نمونه لیبی و یمن و مصر را باید یک دگرگونی انقلابی تلقی کرد، حکومت‌های جدید با قدرت‌یابی جریان‌های اسلامی یا به حکومت می‌رسند و یا بخشی از ساختار قدرت می‌شوند. این هویت اسلامی در حاکمیت و یا ساختار قدرت، ماهیت خاورمیانه جدید خواهد بود که سرآغاز یک دوران جدید منطقه‌ای را نوید می‌دهد.

استبداد داخلی و سلطه خارجی، مسلمانان کشورهای خاورمیانه را در طول چندین دهه چنان تحقیر کرده است که برای بازیابی هویت دینی و اسلامی خود، برخلاف تبلیغ‌های غرب برای گرویدن به نظام‌های لائسیسم و لیبرالیسم، گام در راه سه دهه پیش ایران گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد تحقق حکومت دینی در انقلاب اسلامی، بتواند به یکی از الگوهای سیاسی غالب در شکل‌گیری گرایش‌های اسلامی کشورهای خاورمیانه تبدیل شود؛ چنان که محمد لنسل، رئیس مرکز فرهنگی تجدید حیات اسلام در اتریش، می‌گوید که با آغاز عصر امام خمینی علیه السلام دین و دین‌داری در جهان گسترش یافته و دین زنده شده است. (حاجتی، ۱۳۸۱: ۹۸)

احیای عنصر دین در انقلاب اسلامی ایران، سبب شده است این انقلاب، الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌خواهانه در جهان باشد. خودباوری، دین‌مداری، هویت‌یابی و نفی سلطه‌گرایی، شاخص‌های بارز در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و عامل تفاوت آن با سایر خیزش‌ها و جنبش‌های مشابه است. وقوع انقلاب اسلامی در سه دهه پیش، در ساختار تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دگرگونی عمیقی ایجاد کرد. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران، پس از انقلاب خود مختصات نظام بین‌الملل را دچار تغییرات اساسی کرد. فیصل داود، دبیر کل حرکت جهادی عربی لبنان، در این باره می‌گوید: انقلاب اسلامی به اسوه و محور اصلی هر آنچه در جهان عربی و اسلامی از تحرک و قیام علیه حکام ظالم می‌گذرد، تبدیل شد. اگر انقلاب اسلامی ایران نبود، ما هرگز شاهد تغییر در معادلات جهانی و منطقه‌ای نبودیم. (روزنامه کیهان، ۱۳۹۰: ۶)

انقلاب اسلامی ایران، تلاشی برای زنده کردن یاد خدا در حیات انسان و نیز روشی برای

زندگی فراتر از همه اختلافات ملی، قومی و مذهبی بود. به بیان دیگر، آثار انقلاب اسلامی در چارچوب مرزهای یک کشور خلاصه نمی‌شود، بلکه این انقلاب دیدگاه فراملی دارد. به همین دلیل، به سرنوشت ملت‌ها حساس است و تمایل به فراگیر شدن دارد. بنابراین، بر جنبش‌های اسلامی - سیاسی معاصر تأثیر گذاشته و به آنان جرئت و جسارت مبارزه داده است. همچنین اعلام می‌کند که اسلام به ملتی خاص تعلق ندارد و هدفش، نجات محرومان و مستضعفان است. به هر روی، علت تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های جهان اسلام، به جنبه‌های مشترک آنها برمی‌گردد. این مشترکات، زمینه‌ها و بسترهای اختلافی را به حداقل رسانده است. جنبش‌های اسلامی به صورت‌های مختلف از انقلاب اسلامی متأثر شده‌اند. بخشی از این اثرپذیری در ابعاد سیاسی و برخی دیگر در ابعاد فرهنگی است. در نتیجه، انقلاب اسلامی چراغ رستگاری و نجات را برافروخته است. البته اینکه مسلمانان، به ویژه جنبش‌های اسلامی بتوانند با نور این چراغ به هدایت و سعادت نایل آیند، به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن، اراده و تلاش آنها در چارچوب اسلام و با الگوگیری از انقلاب اسلامی است.

در پایان باید گفت وجه مشترک نهضت‌های اسلامی منطقه - صرف‌نظر از اینکه کدام یک از آنها به پیروزی کامل برسد، کدام یک منحرف شود و کدام یک احياناً شکست بخورد - بیداری مردم خاورمیانه پس از چند دهه رخوت و سستی است. این رویدادها آنان را به در اختیار گرفتن آینده خود امیدوار ساخت و اکنون باور دارند که اگر ملت، یکپارچه چیزی را بخواهد، هیچ ابرقدرتی، حتی آمریکا نمی‌تواند مقابل آنان مقاومت کند و تسلیم خواهد شد. در ضمن، در صورت باقی ماندن هر کدام از حکام منطقه در مسئولیت خود، پس این رخدادها محتاط‌تر عمل خواهند کرد و در هر اقدام و تصمیمی، نگاهی هم به ملت خود و باورهای آنان خواهند داشت؛ نکته‌ای که تاکنون کمتر مورد توجه حکام این کشورها بوده است.

## منابع و مأخذ

۱. آرنت، هانا، ۱۳۶۱، *انقلاب*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲. احمدی، حمید، ۱۳۶۹، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی جهان عرب»، در *مجموعه مقالات جهان سوم*، به کوشش حاتم قادری، تهران، نشر سفیر.

- ۱۵۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال اول، زمستان ۹۱، ش ۳
۳. ارس، بولنت و عمر کاهان، ۱۳۸۱، «جنبش اسلام لیبرالی در ترکیه: اندیشه‌های فتح‌الله گولن»، ترجمه سید اسدالله اطهری، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۴.
۴. اسپوزیتو، جان. ال، ۱۳۸۲، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران، انتشارات باز.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، جلد ۲ و ۱۶، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. برزگر، کیهان، ۱۳۸۷، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و دوم، شماره ۳.
۷. بزرگی، سید مهدی، ۱۳۸۵، «نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان»، *مجله اندیشه تقریب*، شماره ۵.
۸. بکویت، چارلی و رونالد ناکس، ۱۳۷۸، *نیروی دلتا*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. بی‌نا، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عربستان سعودی»، *روزنامه آفتاب*، تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲.
۱۰. تاجیک، محمدرضا و فرهاد درویشی، ۱۳۸۳، «آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن (چالش‌ها و واکنش‌ها)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱۹.
۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، *مقالات تاریخی*، جلد ۵، قم، الهادی.
۱۲. جندی، انور، ۱۳۷۱، *اسلام و جهان معاصر*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۳. حاجتی، میراحمدرضا، ۱۳۸۱، *عصر امام خمینی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. روح، محمدجواد، ۱۳۹۰، «نظریه بین‌الملل اسلامی؛ آیا دیپلماسی عمومی ایران بر تحولات عربی اثر خواهد داشت؟»، *ماهنامه علوم انسانی مهرنامه*، شماره ۱۶، آبان ۱۳۹۰.
۱۵. *روزنامه کیهان*، ۱۰ / ۷ / ۱۳۹۰.



۱۶. شامی، مجیب الرحمان، ۱۳۷۹، «هدف ما اسلام است»، *فصلنامه حضور*، شماره ۳۴.
۱۷. شرف‌الدین، حسین، ۱۳۸۴، «نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پنجم، شماره ۱۵.
۱۸. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۹، *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، انتشارات معارف.
۱۹. کاتب، غلامرضا، ۱۳۸۸، «قدرت نرم و فروپاشی سیاسی، بررسی استراتژیک»، قابل دسترس در: <http://www.persian-languge.org>.
۲۰. کدیور، جمیله، ۱۳۸۲، *رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، تهران، اطلاعات.
۲۱. کولایی، الهه، ۱۳۹۰، «موج‌های دموکراتیک‌سازی و بهار عربی»، *ماهنامه علوم انسانی مهرنامه*، شماره ۱۶، آبان ۱۳۹۰.
۲۲. گامر موشه و دیگران، ۱۳۷۷، *باروی شمال قفقاز، دو قرن مبارزه مسلمانان قفقاز*، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۴، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، *مجله پانزده خرداد*، شماره ۵.
۲۴. مرشدی، ارسلان، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۸۹، «انقلاب اسلامی، الگویی برای خیزش‌های خاورمیانه»، *روزنامه جام جم*، شماره ۳۰۷۹.
۲۵. محمدی، هادی، ۱۳۹۰، *نشانه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری خاورمیانه اسلامی*، قابل دسترس در سایت:  
[www.saeq.ir/index.aspx?siteid=128&pageid=44521&newsview=35565](http://www.saeq.ir/index.aspx?siteid=128&pageid=44521&newsview=35565)
۲۶. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۸۴، «تأثیر منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۱.
۲۷. نجاتی آرانی، حمزه، ۱۳۸۶: «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در عربستان سعودی»، قابل دسترس در سایت: [www.aftabir.com/articles/view/politics/world](http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world)
28. Hinen, Games, 2008, *Smart Power in the World*, University, New York.

